

شباهت‌های موضوعی و شباهت‌های استنادی: مطالعه‌ای در پایان‌نامه‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی

مهدی شقاقی^۱

دکتر عباس حری^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، کشف رابطه میان مآخذ و متون پایان‌نامه‌های نگاشته شده در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی است. رویکردهای تحلیل افقی در تحلیلهای استنادی، بیانگر این مطلب است متونی که مآخذ مشترک دارند، در حوزه‌ها و موضوعات مشابهی نگاشته شده‌اند. این پژوهش قصد دارد آشکار سازد در پایان‌نامه‌هایی که موضوع مشابه دارند، چقدر اشتراک مآخذ وجود دارد و آیا درجه اشتراک مآخذ بر درجه شباهت موضوعی صحه می‌گذارد؟ بدین منظور، از دسته‌بندی موضوعی چکیده پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی استفاده و دسته موضوعی خاصی از پایان‌نامه‌های نگاشته شده در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی به عنوان جامعه پژوهش، انتخاب شد. درجه شباهت موضوعی در پایان‌نامه‌های مورد بررسی، از روی شباهت کلیدواژه‌های عنوان و شباهت‌های استنادی این پایان‌نامه‌ها از طریق میزان اشتراک آنها در مآخذشان سنجیده شده است. بررسی‌های انجام شده در این تحقیق نشان داد پایان‌نامه‌هایی که در مآخذ بیشتری با هم مشترک بودند، شباهت‌های موضوعی کمتری از خود نشان می‌دادند. کلیدواژه‌ها: تحلیل استنادی، شباهت‌های موضوعی، شباهت‌های استنادی، تحلیل افقی، اشتراک در مآخذ.

.....
۱. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی Email: mhd.shaghghi@gmail.com

۱. استاد دانشگاه تهران

مقدمه

استناد به نوشته‌های متأخر در میان نویسندگان علمی و ادبی یک سنت تاریخی بوده و استناد کردن شاید قدمتی به اندازه ابداع خط و نوشتار داشته باشد. تعریف‌های مختلف اندیشمندان از استناد، از جمله «قبول صحّت و درستی یک مدرک به وسیله مدرک دیگر» (نارین^۱، ۱۹۷۶)، «ارجاعی به یک مدرک پیشین که به وسیله یک مدرک تازه انتشار یافته داده می‌شود» (کینگ^۲، ۱۹۸۷)، «تصمیم نویسنده که قصد دارد رابطه بین مدرکی را که در دست تهیه دارد با متون دیگر، نشان دهد» (ساندیسون^۳، ۱۹۸۹)، «یک ارجاع کتابشناختی به اثری انتشار یافته که این مرجع، توسط نویسنده استفاده یا نقل قول شده است» (کامپاناریو^۴، ۲۰۰۳)، «اشاره به سخن یا سند پیشین» (حری، ۱۳۷۲)، از وحدت آراء در بدیهیات استناد و تکرار آراء در انگیزه‌های استناد نشان دارد به طوری که عده‌ای یک واحد استناد را واحدی پیچیده و فرایند استناد را فرایندی پیچیده می‌دانند (لیدسدورف^۵، ۱۹۹۸). برای مثال، علاوه بر انگیزه‌هایی از قبیل ایجاد پیوند میان اثر مورد نظر با اثر مرتبط پیشین، اعتباربخشی و ادای احترام، و فراهم آوردن شواهد برای اثبات ادعا و ارائه توضیحات لازم (دیمیتروف^۶، ۱۹۹۵)، انگیزه‌هایی از قبیل بزرگداشت خود (هایلند، ۲۰۰۳)، ارزش‌گذاری به متن (کامپاناریو، ۲۰۰۳)، افزودن به بلاغت و زیبایی به متن (لاتور^۷، ۱۹۸۷)، و کسب مقبولیت از هنجارهای تحمیل شده از سوی عقلانیت مدرن در تولید آثار (میلز^۸، ۱۳۸۲) را می‌توان نام برد.

-
1. Narin.
 2. King.
 3. Sandison.
 4. Campanario.
 5. Leydesdorff.
 6. Dimitroff.
 7. Latour.
 8. Mills.

کشف روابط میان متون استناد کننده و متون استناد شده، امری است که به عنوان پایه تعریف تحلیل استنادی از سوی متخصصان این حوزه پذیرفته شده است، به طوری که عده‌ای آن را «بررسی رابطه میان مدارک استناد کننده و مدارک استناد شده از جنبه‌های موضوعی، روش شناختی و ...» (اگه و روسو^۱، ۱۹۹۰) معرفی و عده‌ای اظهار کرده‌اند که «توجه تحلیل استنادی به این جنبه‌هاست که چه تعداد از نویسندگان، بیشترین استنادها را کسب کرده‌اند، بیشترین استنادها به چه مجله‌هایی داده شده، روابط بین استنادها به چه صورت است، در متون یک رشته علمی، چه موضوعی بیشتر مورد استناد قرار گرفته است، و موارد نظیر آن» (لنکستر^۲، ۱۹۹۱)، و عده‌ای دیگر آن را «بررسی فراوانی و الگوی استنادها در مقاله‌ها و کتابها و منابع دیگر» (رابین^۳، ۲۰۰۴) معرفی کرده‌اند.

نمایه‌سازی استنادی که بر پایه تحلیل‌های استنادی از مآخذ متون ایجاد گردید، راهبردی جدید در حل مشکلات بازیابی اطلاعات به وجود آورد. ظهور نمایه‌نامه‌های استنادی توسط مؤسسه اطلاعات علمی^۴ یک مفهوم انقلابی در بازیابی اطلاعات قلمداد شده که وسیله تازه‌ای برای جستجوی موضوعی معرفی کرده است. نمایه‌سازی استنادی به کلی از بازنمون زبانی و تفسیر ذهنی محتوا جدا و مستقل است. در این شیوه، مدارک از طریق ارجاعها و استنادهای مدارک دیگر برای جستجو عرضه می‌شوند. بر اساس این پیش فرض که بیشتر مقاله‌ها به واسطه ربط موضوعی‌شان مورد استناد قرار می‌گیرند، می‌توان با اطمینان گفت که میان مقاله‌های استناد کننده و مقاله‌های استناد شده، ربط موضوعی وجود دارد. ارجاعهای استناد شده را می‌توان شاخصهایی محتوایی انگاشت که محتوای سند را می‌نمایاند و از

.....
1. Egghe & Rousseau.

2. Lancaster.

3. Rubin.

4. ISI (Institute of Scientific Information).

تخصیص ذهنی اصطلاحات نمایه‌ای به مدارک اجتناب می‌کند. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد مقاله‌هایی که بیشتر مورد استناد قرار گرفته‌اند، از نظر متخصصان موضوعی نیز با اهمیت تشخیص داده شده‌اند (لاوانی و بایر^۱، ۱۹۸۳). نقدهایی نیز به این نوع روش نمایه‌سازی که به منظور بازیابی بهینه مدارک در مقابل نمایه‌سازی بر اساس کلیدواژه‌های موضوعی ایجاد گردید، وارد شده است؛ از جمله اینکه نادهای ارجاعی، قسمتهای ارزشمندی از مقاله مانند نظرهای مؤلف را پوشش نمی‌دهد و اینکه ارجاعات ممکن است به دلایل مختلفی مانند سیاستهای ویرایشی، جزو مآخذ مدارک قرار نگیرند و یا به دلایلی مانند خوداستنادی برای بزرگداشت خود یا استنادهای بی‌مورد به اشخاص صاحب‌نظر برای وجهه دادن به اثر در فهرست مآخذ جای گیرند. با وجود این نقدها، برای بهره‌گیری از استنادها به‌منظور بازنمایی ساختار نوشته‌های علمی، تلاشهایی صورت گرفته است. برای مثال، «کوچن»^۲ این نقد را با این گفته که «داوری ربطی که از سوی مؤلفان مقاله‌ها از طریق استناد آنها به مدارک انجام می‌شود، از داوری ربطی که از سوی نمایه‌ساز انجام می‌گیرد موجه‌تر است» پاسخ داد. یا «مارگولیس»^۳ با استفاده از تحلیل شبکه، تأثیر غیرمستقیم مقاله بر روی اخلافش را در طول زمان تخمین زد و «پرایس» از استنادها به‌عنوان ابزاری برای تحلیل آماری اثربخشی آثار علمی استفاده کرد. و یا «دونوهو»^۴ با تحلیل استنادهای مقاله‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، یکپارچگی ساختاری معناداری را در آن حوزه به اثبات رساند (حری، ۱۹۸۱).

-
1. Lawani & Bayer.
 2. Kochen.
 3. Margolis.
 4. Donohue.

تعریف مسئله

جامعیت و مانعیت در بازیابی اطلاعات به عنوان هدف اصلی ذخیره‌سازی نظام‌مند آنها، مسئله‌ای است که همواره ذهن متخصصان این حوزه را به خود مشغول داشته و فکر آنها را به جستجوی راه‌هایی برای بالا بردن همزمان جامعیت و مانعیت در بازیابی اطلاعات، متمایل ساخته است. نمایه‌سازی استنادی به عنوان نظریه‌ای در همین راستا مطرح شده است، به طوری که طرفداران این حوزه اعتقاد دارند به جای پیروی از ذهنیت فرد به عنوان کسی که با مطالعه متن کلیدواژه‌هایی را به عنوان کلیدواژه‌های مرتبط به اسناد منتسب می‌کند، بهتر است از استادهای صورت گرفته به متن به عنوان پایه شباهت موضوعی و استخراج کلمات نمایه‌ای استفاده شود. پایان‌نامه‌ها به عنوان اسنادی بسیار مهم و ارزشمند - که در کشور ما به دلیل محدودیت دسترسی به آنها همواره دور از دسترس بوده‌اند - ابزارهایی قوی برای بازیابی دقیق و جامع را می‌طلبند. در کنار سایر نظریه‌هایی که در مورد نمایه‌سازی این اسناد برای بازیابی مؤثر آنها وجود دارد، نمایه‌سازی استنادی به عنوان یکی از روشهای مقبول، قابل بررسی است. بنابراین، بحثی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا نمایه‌سازی استنادی این آثار ارزشمند می‌تواند مشکل بازیابی اطلاعات کتابشناختی این آثار دور از دسترس را به صورت جامع و مانع مرتفع کند؟ بدین منظور، قبل از هر گونه اقدامی، از طریق تحلیل استنادی این آثار باید حد اشتراک شباهتهای موضوعی و شباهتهای استنادی مشخص و معلوم شود که وجود تعداد بیشتری از مآخذ مشترک میان پایان‌نامه‌ها، به شباهت بیشتر میان آنها صحنه می‌گذارد؟ تأیید این امر می‌تواند نوید بخش مؤثر بودن نمایه‌سازی استنادی این آثار در بازیابی اطلاعات باشد.

تعریف عملیاتی اجزای مسئله

شباهتهای موضوعی: منظور از شبهاتهای موضوعی، گروه پایان‌نامه‌های انتخاب شده و دسته‌بندی شده در تحقیق است که به واسطه دسته‌بندیهای انجام شده در کتابها و منابع^۱ و نیز برابرگذاری کلیدواژه‌های عنوان بر اساس معیارهایی چون انطباق کامل، انطباق معنایی (ترادف)، و انطباق موضوعی سلسله‌مراتبی واژه‌های عنوانهای پایان‌نامه‌ها، مشابه تشخیص داده شده‌اند.

شباهتهای استنادی: منظور از شبهاتهای استنادی در این تحقیق، مآخذی از پایان‌نامه‌های مورد بررسی است که در میان آن پایان‌نامه‌ها مشترک هستند.

پایان‌نامه‌های رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی: منظور از پایان‌نامه‌های رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۵۸ پایان‌نامه مورد بررسی در این پژوهش است که از میان هفت گروه موضوعی مندرج در چکیده پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی، در گروه موضوعی «وضعیت کتابخانه‌ها، آرشیوها، و مراکز اطلاع‌رسانی» قرار داشتند.

فرضیه پژوهش

با توجه به نظریه «کسلر»، پایان‌نامه‌هایی که مآخذ مشترک بیشتری دارند، شبهاتهای موضوعی بیشتری را از خود نشان می‌دهند و بدین ترتیب می‌توان از مآخذ آنها به عنوان نمادهای موضوعی برای بازیابی مؤثرتر، استفاده کرد.

هدف پژوهش

هدف از پژوهش حاضر، بررسی این مطلب است که آیا استنادهای مشترک می‌توانند پایان‌نامه‌هایی را که به لحاظ موضوعی به هم شباهت دارند، در کنار هم

.....
۱. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد منابعی که از دسته‌بندی موضوعی آنها برای انتخاب گروه پایان‌نامه‌های هم‌موضوع استفاده شده، به چکیده پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی تألیف «ماندانا صدیق بهزادی» مراجعه کنید.

گرد آورند. به عبارت دیگر، آیا می‌توان گفت پایان‌نامه‌هایی که مآخذ مشترک بیشتری دارند، به لحاظ موضوعی به هم نزدیک‌ترند. بنابراین، در این پژوهش تلاش شده گروه‌بندیهای مبتنی بر تشابه استنادها با گروه‌بندیهای مبتنی بر تشابه کلیدواژه‌های موضوعی مقایسه شود تا پایان‌نامه‌هایی که به لحاظ موضوعی به هم مرتبط‌ترند، به شکل مطلوب‌تری با هم ارتباط یابند. تأیید این امر می‌تواند استفاده از نمایه‌سازی استنادی به منظور بازیابی بهینه پایان‌نامه‌های حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را به عنوان یک راهکار در بازیابی اطلاعات توصیه نماید.

فایده پژوهش

پژوهش حاضر می‌تواند به عنوان ابزار و رویکردی مناسب برای سنجش امکان نمایه‌سازی استنادی مدارک موجود در پایگاه‌های اطلاعاتی مورد استفاده قرار گیرد. از نتایج حاصل از آن نیز می‌توان به عنوان اطلاعاتی برای تصمیم‌گیری در مورد نمایه‌سازی استنادی این مدارک به منظور بازیابی جامع‌تر و مانع‌تر آنها بهره گرفت.

روش پژوهش، جامعه مورد مطالعه، و ابزارهای گردآوری اطلاعات

در پژوهش حاضر از روش تحلیل استنادی استفاده شده است. شیوه به کار رفته در این تحلیل، از نوع اشتراک در مآخذ^۱ است. در جستجوی یک دسته‌بندی استاندارد از پایان‌نامه‌های هم‌موضوع که پایان‌نامه‌های رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی را دسته‌بندی موضوعی کرده باشد، به چکیده پایان‌نامه‌های ایران و پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی گرایشهای موضوعی: تعیین تجربی فرایند زیست موضوعات و

.....
1. Bibliographic Coupling.

روشهای پژوهش پایان نامه های کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران» استفاده شد. ترتیب دسته‌بندی موضوعی این دو منبع تا حدّ بسیار زیادی منطبق بر هم تشخیص داده شد، به طوری که تعداد پایان‌نامه‌های بررسی شده در این دو منبع در هفت گروه موضوعی کلی و ۳۲ موضوع فرعی دسته‌بندی شده است. از این رو، محقق بزرگترین گروه موضوعی یعنی گروه موضوعی «وضعیت کتابخانه‌ها، آرشیوها و مراکز اطلاع‌رسانی» را که شامل ۱۰۹ پایان‌نامه بوده است انتخاب نموده و در نهایت، به انضمام پایان‌نامه‌های نگاشته شده هم موضوع با این گروه از سال ۱۳۷۹ تا سال ۱۳۸۵، ۵۸ پایان‌نامه از این گروه موضوعی برای بررسی انتخاب گردید. از ۵۸ پایان‌نامه یاد شده، ۳ پایان‌نامه فهرست مآخذ نداشت که از جامعه مورد مطالعه حذف شد و در نهایت، ۵۵ پایان‌نامه بررسی گردید. برای گردآوری اطلاعات، متون و منابع مرتبط مطالعه و فیش‌برداری شد و برای گردآوری اطلاعات پایان‌نامه‌ها، مآخذ همه آنها به طور دقیق و به تفکیک هر پایان‌نامه فیش‌برداری گردید.

پیشینه پژوهش

هر ارجاع کتابشناختی در روش نمایه‌سازی استنادی، به عنوان یک شناسه بازیابی عمل می‌کند که نویسنده آن را به دقت برگزیده است. اما اینکه این شناسه‌ها می‌توانند دارای ربط موضوعی به مدرک شناخته شوند و از آنها به منزله کدهای موضوعی در بازیابی اطلاعات استفاده نمود، مسئله‌ای بود که افراد زیادی به آن پرداختند تا رابطه میان اسنادها و متون و روابطی را که خود اسنادهای یک متن با هم دارند، تشخیص دهند. «سالتون»^۱ به این نتیجه رسید که استناد به طور مؤثری به بازشناسی اسناد از طریق ایجاد امکان مربوط ساختن اسناد به گروه‌هایی از اسناد که

.....
1. Salton.

به خاطر اشتراک در برخی ویژگیهای مشابهی که بیانگر شباهت موضوع آنهاست، کمک می‌کند. «اسمال و گریفیث»^۱ از نمایه‌های استنادی به منظور شناسایی تقسیمهای فرعی متخصصان حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی استفاده کردند و برای این کار از فراوانی هم-استنادها^۲ به عنوان مقیاسی برای پیوند میان جفت اسناد استفاده نمودند. مفهوم هم-استنادی یا «اشتراک در متن» (حری، ۱۳۷۲) که توسط «اسمال» مطرح شد، بیان می‌کند تعداد مقاله‌هایی که دو مأخذ را همزمان مورد استناد قرار داده باشند، معیار نزدیکی آن دو مأخذ تلقی می‌شوند (اسمال، ۱۹۷۸). وی همچنین پیشنهاد کرد از طریق تحلیل محتوا می‌توان به یک بازنمایی از دانش توافقی^۳ یا پارادایم بدون استفاده از متخصصان دست یافت (اسمال، ۱۹۸۰). اشتراک در مأخذ که توسط کسلر^۴ ارائه گردید، بیان می‌کند که دو مقاله هر چه تعداد بیشتری مأخذ مشترک داشته باشند، به لحاظ موضوعی به یکدیگر شبیه‌ترند (کسلر، ۱۹۶۳). با وجود این، «مارتین»^۵ در نقدی به این نظریه ابراز کرد هیچ تضمینی وجود ندارد که اطلاعات اخذ شده از مدرک «پ» که به وسیله مدرک «الف» استناد شده است، همان اطلاعاتی باشد که از مدرک «پ» در مدرک «ب» درج شده است (مارتین، ۱۹۶۴). با وجود این، او در آخر اعلام کرد در کل نمی‌توان گفت هیچ ارتباطی وجود ندارد و وجود یک مأخذ مشترک شهادی برای وجود رابطه است.

امروزه روش اشتراک در مأخذ به خاطر گذشته‌نگر بودن آن کمتر به منظور تعیین حدود و ثغور یک حوزه علمی به کار می‌رود و بیشتر به عنوان ابزار بازیابی اطلاعات استفاده می‌شود، به طوری که از سال ۱۹۸۸ بخشی به نام «اسناد مرتبط»^۶ به

1. Small and Griffith.
2. co-citation.
3. Consensual knowledge.
4. Kessler.
5. Martyn.
6. Related Records.

نمایه استنادی علوم و علوم اجتماعی اضافه شده و آن امکانی است که در آن مقاله‌هایی که دست کم یک مأخذ آنها با مقاله اصلی مشترک است، سیاهه می‌شوند و مقاله‌هایی که تعداد بیشتری اشتراک در مأخذ با مقاله اصلی دارند، در ابتدای سیاهه می‌آیند. این کار، امکان مناسبی را برای بازیابی مدارک مرتبط‌تر با مورد جستجو فراهم می‌کند (گارفیلد^۱، ۲۰۰۱).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

برای انجام پژوهش و تشکیل جدول، فهرست مأخذ همه پایان‌نامه‌های مورد مطالعه به تفکیک کد و عنوان آنها نسخه‌برداری و مأخذ مشترک آنها طی مقایسه هر یک از پایان‌نامه‌ها با ۵۴ پایان‌نامه دیگر جمع‌آوری شد و به ترتیب مأخذی که بیشترین استناد به آنها شده، مرتب گردید. شایان ذکر است، سه پایان‌نامه فهرست مأخذ نداشت. در ادامه، پایان‌نامه‌های مشابه در داخل حوزه موضوعی کلی «وضعیت کتابخانه‌ها، آرشیوها، و مراکز اطلاع‌رسانی» بر اساس گروه‌بندیهای موضوعی چکیده پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی و برابرگذاری کلیدواژه‌های عنوان با معیارهای زیر گروه‌بندی شد:

۱. کلیدواژه‌ها عین هم باشند (انطباق کامل)
۲. کلیدواژه‌ها مترادف هم باشند (انطباق معنایی (ترادف))
۳. کلیدواژه‌ها در حیطه موضوعی وسیع‌تر یا ریزتر نسبت به هم باشند (انطباق سلسله‌مراتبی).

همچنین، این پژوهش مبتنی بر دو پیش‌فرض است: الف) کلیدواژه‌های عنوان، نمایانگر محتوای موضوعی پایان‌نامه‌هاست. ب) چکیده پایان‌نامه‌های

.....
1. Garfield.

کتابداری و اطلاع‌رسانی، پایان‌نامه‌های این حوزه را بر اساس محتوای موضوعی آنها گروه‌بندی کرده است (حری، ۱۹۸۱). گروه‌بندی انجام شده، ۴ گروه موضوعی کلی را شامل گردید که پایان‌نامه‌های عضو آن شباهت‌های موضوعی کلی تری داشت. هر گروه شامل زیر گروه‌هایی است که اعضای زیر گروه‌ها شباهت‌های موضوعی نزدیکی دارند. در هر زیر گروه، گروه‌های فرعی تری است که با ستاره مشخص شده‌اند که علاوه بر شباهت‌های موضوعی نزدیک (بر اساس دسته‌بندی‌های انجام شده توسط چکیده پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی) دارای شباهت و انطباق در کلیدواژه‌های عنوان هستند که شباهت‌های بسیار نزدیک را می‌رساند. در هر زیر گروه موضوعی، پایان‌نامه‌هایی که با یک ستاره مشخص شده‌اند، با هم در یک زیر گروه کلیدواژه‌ای قرار می‌گیرند و آنهایی که با دو ستاره مشخص شده‌اند، با هم در یک زیر گروه کلیدواژه‌ای قرار می‌گیرند. گفتنی است، در این گروه‌بندی از ذکر سه پایان‌نامه که فهرست مآخذ نداشت، صرف نظر شده است. گروه‌بندی به قرار زیر است:

جدول ۱. دسته‌بندی پایان‌نامه‌ها در گروه‌ها و زیرگروه‌ها
بر مبنای شباهت‌های موضوعی و کلیدواژه‌ای

کد	گروه‌ها	کد	گروه‌ها
	گروه ۴. کتابخانه‌های تخصصی		گروه ۱. کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان
	زیر گروه الف		زیر گروه الف
۲۶۱	۱. بررسی آرشیوهای دیداری- شنیداری صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران*	۳۰۲	۱. بررسی و ارزیابی وضع موجود کتابخانه‌های دبیرستانی شهر اصفهان*
۲۵۳	۲. کتابخانه شبکه دوم سیمای جمهوری اسلامی ایران و کارایی آن در رابطه با نیازهای برنامه سازی*	۴۱۰	۲. بررسی وضعیت کتابخانه‌های آموزشگاهی شهرستان گنبد کاووس*
۴۴	۳. نقش فیلمخانه ایران به عنوان یک مرکز اطلاع‌رسانی	۱۶۳	۳. مقایسه کتابخانه های دبیرستانی ایران(تهران) و بریتانیا

کد	گروه‌ها
۳۲۶	۴. بررسی وضعیت نظام اطلاع‌رسانی سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران در تهران
زیرگروه ب	
۲۴۳	۱. تاریخچه، هدفها و وظایف و تشکیلات سازمان اسناد ملی ایران*
۱۹۴	۲. طرح مراکز اسناد اقتصادی
۱۱۷	۳. بررسی مراکز مدارک در ایران*
۲۷۰	۴. گزارشی از تجربه تنظیم و سازماندهی اسناد شخصی موسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی
گروه ۴: کتابخانه‌های تخصصی	
زیرگروه ج	
۲۶۸	۱. بررسی نقش موزه تاریخ طبیعی ایران به عنوان یک مرکز اطلاع‌رسانی*
۴۰۹	۲. بررسی وضعیت موجود و ارائه راهکارهای مطلوب برای کتابخانه‌های موزه‌های شهر تهران*
۱۵۲	۳. بررسی کتابخانه‌های اختصاصی هنر در تهران
زیرگروه د	
۲۰۳	۱. بررسی و ارزشیابی کتابخانه پزشکی بیمارستان توانبخشی شفا یحیائیان*

کد	گروه‌ها
۴۴۵	۴. بررسی کتابخانه‌های مراکز آموزشی پرورش استعداد‌های درخشان و امکان‌سنجی ایجاد شبکه‌های اطلاع‌رسانی در آنها
زیرگروه ب	
۴۹	۱. بررسی کتابخانه‌های کودکان و نوجوانان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان*
۴۴۸	۲. بررسی وضعیت کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و ارائه پیشنهاد‌هایی برای بهینه‌سازی آنها*
۵۳	۳. بررسی کتابخانه‌های دبستانهای تهران
گروه ۲: کتابخانه‌های عمومی	
زیرگروه الف	
۲۸۱	۱. بررسی وضع موجود کتابخانه‌های عمومی شهر تهران وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*
۱۸۶	۲. تحقیق درباره مسائل کتابخانه‌های عمومی از نظر کیفی: بررسی دو نمونه از کتابخانه‌های عمومی تهران با دو نمونه خارجی و مقایسه آنها با هم
۳۶۷	۳. بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی استان گیلان*
۳۳۶	۴. بررسی وضعیت کتابخانه‌های عمومی شهر مشهد*
۱۷۱	۵. بررسی تاریخچه فعالیتهای کتابخانه‌های وقفی و مذهبی مشهد

کد	گروه‌ها
۳۹۵	۲. بررسی وضعیت کتابخانه‌های بیمارستانهای روانی در شهر تهران*
۱۳۴	۳. بررسی کتابخانه‌های بیمارستانی و ایجاد طرح توسعه آن در ایران
۳۹۲	۴. بررسی وضعیت کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی ناینیان و نیمه ناینیان مستقر در شهر تهران
زیرگروه هـ	
۱۶۴	۱. بررسی و ارزیابی سه کتابخانه تخصصی واقع در شهرستان کرج و ارتباط آنها با یکدیگر
۳۰۹	۲. تاریخچه تحول کتابخانه و مرکز اطلاع‌رسانی علمی مؤسسه تحقیقات و سرم سازی رازی کرج
۳۰۶	۳. بررسی وضعیت کتابخانه‌های تخصصی فیزیک شهر تهران*
۳۱۶	۴. بررسی نقش مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات به عنوان یک مرکز اطلاع‌رسانی*
۱۱۸	۵. کتابخانه‌های مؤسسه‌های دامپزشکی در ایران
زیرگروه و	
۴۱۵	۱. بررسی وضعیت کتابخانه‌های صنعت نفت شهر تهران و ارائه راهکارهای عملی*
۱۵۳	۲. طرح ایجاد مراکز اطلاعات و مدارک شرکت ملی نفت ایران*
زیرگروه ز	
۱۳۸	۱. بررسی کتابخانه‌های مدیریت در ایران

کد	گروه‌ها
۳۵۰	۶. بررسی کتابخانه‌های عمومی شهر قم*
زیر گروه ب	
۳۲۳	۱. بررسی وضعیت کلی کتابخانه‌های خطی: مجلس، مرکزی دانشگاه تهران، ملی و ملک
۳۳۷	۲. بررسی وضعیت کلی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راه حل برای دستیابی به وضع مطلوب
۳۹۴	۳. سیر تحول و بررسی کتابخانه و موزه ملی ملک
گروه ۳. کتابخانه‌های دانشگاهی و دانشکده‌ای	
زیر گروه الف	
۴۴۴	۱. ارزیابی کیفی مجموعه کتابخانه‌های دانشگاهی شهر اصفهان**
۲۸۶	۲. بررسی و ارزیابی کتابخانه‌های دانشکده‌ای دانشگاه مازندران*
۳۹۰	۳. بررسی سیر تحول و ارزیابی کتابخانه‌های دانشگاه تبریز**
۳۰۱	۴. بررسی وضعیت کتابخانه‌های دانشکده‌ای دانشگاه ارومیه*
۶۳	۵. سیستم آنالیز کتابخانه دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران
۵۰	۶. برنامه پنج ساله کتابخانه دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران

کد	گروه‌ها
۱۲۹	۲. ایجاد و توسعه کتابخانه در کارخانه ها و مراکز صنعتی ایران
۳۹۱	۳. بررسی وضعیت و خدمات کتابخانه های بانکهای تخصصی شهر تهران
۶۷	۴. بررسی و ارزیابی کتابخانه های وابسته به وزارت اقتصاد و طرح پیشنهادی برای کتابخانه مرکزی وزارت اقتصاد

کد	گروه‌ها
۱۹۸	۷. کتابخانه مرکزی دانشگاه تربیت معلم و کارایی آن در ارتباط با نیازهای آموزشی آن
۲۱۵	۸. بررسی و ارزشیابی کتابخانه مدرسه عالی مهرانساری و خدمات پروازی وابسته به هواپیمایی ایران-هما
زیرگروه ب	
۳۱۱	۱. ارزیابی مجموعه و خدمات کتابخانه های مراکز تربیت معلم شهر تهران*
۳۱۰	۲. بررسی وضعیت و کارایی کتابخانه های مراکز تربیت معلم استان فارس با توجه به هدفهای آموزشی و برنامه های تفصیلی*
۳۴۲	۳. بررسی وضعیت کتابخانه های پژوهشگاه های آموزش ضمن خدمت مناطق ۱۹ گانه آموزش و پرورش تهران
۱۵۱	۴. بررسی کتابخانه های دانشسراهای راهنمایی تحصیلی در ایران

در ادامه، مآخذ مشترک پایان نامه ها استخراج گردید و سپس پایان نامه ها به ترتیب تعداد مآخذی که مشترک بودند، در شش گروه دسته بندی شد: **گروه ۱** شامل پایان نامه هایی که در یک مآخذ مشترک بودند. **گروه ۲** شامل پایان نامه هایی که در دو مآخذ مشترک بودند. **گروه ۳** شامل پایان نامه هایی که در سه مآخذ مشترک بودند. **گروه ۴** شامل پایان نامه هایی که در چهار مآخذ مشترک بودند. **گروه ۵** شامل پایان نامه هایی که در پنج مآخذ مشترک بودند. و **گروه ۶** پایان نامه هایی که در شش مآخذ مشترک بودند. جدول حاصل به شرح زیر است:

جدول ۲. دسته‌بندی پایان‌نامه‌ها بر اساس تعداد مآخذ مشترک آنها

دسته ۱					
مآخذ مشترک	کد پایان‌نامه‌ها	تعداد	مآخذ مشترک	کد پایان‌نامه‌ها	تعداد
*	۳۲۶-۳۱۶-۴۴۵	۲۶	*	۳۰۶-۵۰-۶۷-۳۴۲-۳۱۰-۱۵۱-۱۹۸-۱۶۴-۲۰۳-۴۴۴-۲۱۵-۳۰۱	۱
*	۲۶۸-۴۰۹	۲۷	*	۳۱۱-۳۶۷-۳۳۷-۳۵۰-۳۱۶-۴۱۰-۳۲۶-۳۹۱	۲
*	۴۰۹-۳۰۶	۲۸	*	۳۱۰-۲۱۵-۱۵۱-۱۶۴-۳۹۱-۱۲۹-۱۳۴-۲۸۶	۳
*	۳۹۰-۴۴۴	۲۹	*	۳۹۱-۴۱۵-۲۶۱-۲۷۰-۴۴-۲۸۱-۳۱۰	۴
*	۳۹۰-۳۱۶	۳۰	*	۵۰-۶۷-۱۶۴-۱۳۸-۲۰۳-۱۵۱	۵
*	۱۳۴-۲۰۳	۳۱	*	۳۴۲-۳۱۰-۳۰۱-۳۹۱-۴۴۴-۳۰۶-۳۱۱	۶
*	۱۲۹-۳۰۲	۳۲	*	۲۴۳-۲۷۰-۲۵۳-۲۶۸-۴۰۹-۳۳۶	۷
*	۱۳۴-۴۱۰	۳۳	*	۳۴۲-۳۰۱-۲۴۳-۲۷۰-۲۵۳-۳۰۲	۸
*	۴۴۵-۳۰۶	۳۴	*	۳۹۱-۱۲۹-۲۵۳-۴۴۵-۴۴۴	۹
*	۱۲۹-۳۰۶	۳۵	*	۳۹۱-۳۹۲-۴۱۰-۴۴۴	۱۰
*	۳۹۰-۱۲۹	۳۶	*	۱۱۸-۱۶۴-۳۲۶-۳۰۶	۱۱
*	۱۹۴-۴۱۵	۳۷	*	۳۱۱-۳۴۲-۴۰۹-۴۴۴	۱۲
*	۱۳۸-۱۹۸	۳۸	*	۳۱۱-۳۴۲-۳۰۶-۴۴۴	۱۳

*	۱۳۴-۲۷۰	۳۹	*	۱۱۸-۲۱۵-۱۳۸-۳۰۶	۱۴
*	۱۸۶-۱۵۱	۴۰	*	۱۱۸-۱۱۷-۱۹۴-۳۰۶	۱۵
*	۲۸۶-۱۹۸	۴۱	*	۳۳۷-۲۱۵-۲۶۸-۳۱۶	۱۶
*	۲۸۶-۳۰۱	۴۲	*	۲۸۱-۲۱۵-۲۰۳	۱۷
*	۳۱۱-۳۹۰	۴۳	*	۲۸۱-۳۳۷-۳۶۷	۱۸
*	۲۸۶-۳۹۰	۴۴	*	۳۳۷-۳۲۳-۲۸۱	۱۹
*	۳۶۷-۲۸۱	۴۵	*	۳۲۳-۳۳۶-۳۹۴	۲۰
*	۳۳۷-۳۶۷	۴۶	*	۲۸۶-۳۴۲-۳۰۱	۲۱
*	۳۳۷-۳۱۰	۴۷	*	۳۵۰-۳۹۱-۴۴۴	۲۲
*	۱۱۸-۵۰	۴۸	*	۲۸۱-۱۸۶-۳۰۶	۲۳
*	۵۳-۴۹	۴۹	*	۱۱۷-۱۹۴-۱۵۳	۲۴
			*	۱۱۸-۱۳۴-۲۰۳	۲۵
دسته ۲					
**	۳۹۱-۴۱۰	۱۳	**	۵۰-۶۷-۱۶۴-۲۰۳-۱۵۱	۱
**	۱۶۴-۳۰۶	۱۴	**	۳۴۲-۴۴۴-۳۰۶-۳۰۱-۳۱۰	۲
**	۳۴۲-۳۰۶	۱۵	**	۳۱۰-۲۱۵-۱۵۱-۱۶۴	۳
**	۲۸۱-۳۳۷	۱۶	**	۱۵۱-۲۸۶-۱۲۹-۱۳۴	۴
**	۳۱۶-۳۳۷	۱۷	**	۲۱۵-۱۳۸-۳۰۶	۵
**	۱۹۸-۱۶۴	۱۸	**	۱۵۱-۱۹۸-۱۶۴	۶
**	۱۵۱-۳۰۶	۱۹	**	۵۰-۱۹۸-۱۶۴	۷
**	۳۹۱-۳۱۱	۲۰	**	۳۵۰-۳۹۱-۳۱۶	۸
**	۳۱۰-۴۴۴	۲۱	**	۲۵۳-۲۴۳-۲۷۰	۹

**	۲۸۱-۳۶۷	۲۲	**	۴۴۴-۳۹۱-۳۱۰	۱۰
**	۳۲۳-۳۳۷	۲۳	**	۳۱۰-۲۱۵-۱۵۱	۱۱
**	۳۹۴-۳۲۳	۲۴	**	۳۹۱-۱۲۹	۱۲
دسته ۳					
***	۳۲۶-۳۱۶	۱۰	***	۴۴۴-۳۴۲-۳۱۱	۱
***	۱۵۱-۱۶۴	۱۱	***	۴۴۵-۴۱۰-۳۰۲	۲
***	۳۹۱-۳۱۰	۱۲	***	۳۰۱-۳۰۶-۳۴۲	۳
***	۳۳۷-۳۶۷	۱۳	***	۱۵۱-۲۸۶-۱۲۹	۴
***	۱۵۱-۱۹۸	۱۴	***	۴۴۴-۳۰۶-۳۴۲	۵
***	۱۱۷-۱۹۴	۱۵	***	۳۵۰-۳۹۱	۶
***	۱۳۴-۱۲۹	۱۶	***	۵۰-۱۶۴	۷
***	۳۰۶-۱۳۸	۱۷	***	۱۵۱-۱۶۴	۸
			***	۳۰۶-۱۱۸	۹
دسته ۴					
*** *	۲۷۰-۲۵۳	۵	***	۳۹۱-۴۴۴	۱
*** *	۳۴۲-۴۴۴	۶	***	۳۱۰-۴۴۴	۲
*** *	۲۰۳-۱۳۴	۷	***	۴۱۰-۴۴۵	۳
			***	۴۱۰-۳۰۲	۴
دسته ۵					
			*****	۴۴۴-۳۹۱	۱
دسته ۶					
			*****	۳۴۲-۳۰۱	۱

چنانکه در جدول ۲ قابل مشاهده است، در دسته اول ۴۹ خوشه، در دسته دوم ۲۴ خوشه، در دسته سوم ۱۷ خوشه، در دسته چهارم ۷ خوشه، و در دسته پنجم و ششم هر کدام یک خوشه بر اساس تعداد مآخذ مشترک ایجاد گردید. در ادامه، خوشه‌های ایجاد شده در گروه‌های شش‌گانه جدول ۲ به گروه‌ها و زیرگروه‌های موضوعی جدول ۱ پاشیده شد (با آنها مورد انطباق و مقایسه قرار گرفتند). بدین ترتیب، عنوانهای تک‌تک پایان‌نامه‌های مندرج در خوشه‌های موجود در گروه‌های شش‌گانه جدول ۲ بر اساس گروه‌ها و زیرگروه‌های جدول ۱ با هم مقایسه و حاصل کار در سه مقوله بی‌شبهت، در یک گروه موضوعی کلی، در یک زیرگروه موضوعی، و در یک زیرگروه کلیدواژه‌ای دسته‌بندی شد. سپس برای هر یک از گروه‌های جدول ۲ بر اساس مقوله‌های یاد شده، درصدی محاسبه گردید. طی این محاسبه، تعداد خوشه‌هایی از هر دسته جدول ۲ که طی مقایسه با گروه‌های جدول ۱، بی‌شبهت، در یک گروه موضوعی کلی، در یک زیرگروه موضوعی، و در یک زیرگروه کلیدواژه‌ای تشخیص داده شدند، به تعداد کل خوشه‌های هر دسته موجود تقسیم و در ۱۰۰ ضرب گردیدند و سپس درصدهای حاصل در جدول ۳ وارد شد. برای مثال، در دسته اول ۴۹ خوشه وجود دارد که در یک مآخذ مشترک هستند که طی مقایسه آنها با گروه‌های جدول ۱، ۲۶ گروه از آنها شباهتی موضوعی به هم نشان نمی‌دادند (حتی در یک گروه موضوعی کلی نیز نیستند)، ۱۵ خوشه در یک گروه موضوعی کلی و ۱۷ خوشه در یک زیرگروه موضوعی جای داشتند. اعداد به دست آمده به تعداد کل هر گروه تقسیم و در ۱۰۰ ضرب گردید تا برای هر یک درصدی حاصل گردد:

$$\frac{26}{49} \times 100 = 53/06$$

$$\frac{15}{49} \times 100 = 30/61$$

$$\frac{11}{49} \times 100 = 22 / 44$$

$$\frac{6}{49} \times 100 = 12 / 24$$

در برخی موارد، مجموع درصدها بیشتر یا کمتر از ۱۰۰٪ می‌شود که علت آن، حضور برخی خوشه‌ها در هر دو مقوله «در یک گروه موضوعی کلی، در یک زیرگروه، و در یک زیرگروه کلیدواژه‌ای» است. همچنین، منظور از بی‌شبهات در این جدول، قرار نداشتن پایان‌نامه‌های آن دسته خاص در یک گروه موضوعی است. گفتنی است، رتبه‌ها در ابتدا بر اساس درصدهای ستون «در یک زیرگروه» و سپس ستون «در یک گروه موضوعی» اختصاص یافته است. جدول زیر حاصل از انجام عملیات فوق است:

جدول ۳. درصد شبهات دسته‌های حاصل از جدول ۲ با مقوله‌های موضوعی حاصل از جدول ۱

رتبه بر اساس میزان شبهات	در یک زیرگروه کلیدواژه‌ای	در یک زیرگروه موضوعی	در یک گروه موضوعی کلی	بی‌شبهات	درجه شبهات دسته‌ها
۲	۱۲/۲۴	۲۲/۴۴	۳۰/۴۱	۵۳/۰۶	دسته ۱
۳	۸/۳۳	۱۲/۵۰	۲۰/۸۳	۵۸/۳۳	دسته ۲
۴	۵/۸۸	۵/۸۸	۴۷/۰۵	۴۷/۰۵	دسته ۳
۱	۲۸/۵۷	۱۴/۲۸	۴۲/۸۵	۱۴/۲۸	دسته ۴
۶	-	-	-	٪۱۰۰	دسته ۵
۵	-	-	٪۱۰۰	-	دسته ۶

رتبه‌بندیهای انجام شده بر اساس مجموع درصدهای ستون مربوط به زیرگروه موضوعی و زیرگروه کلیدواژه‌ای است. چنانکه داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، ۵۳/۰۶٪ از پایان‌نامه‌های دسته ۱ (پایان‌نامه‌هایی که در یک مأخذ مشترک هستند) با یکدیگر شبهاتی نداشتند؛ یعنی در یک گروه موضوعی واقع نبودند. ۳۰/۴۱٪ از

پایان‌نامه‌های این دسته در یک گروه موضوعی بودند، ۲۲/۴۴٪ در یک زیرگروه موضوعی و ۱۲/۲۴٪ در یک زیرگروه کلیدواژه‌ای قرار گرفتند. ۵۸/۳۳٪ از پایان‌نامه‌های دسته ۲ بی‌شابهت، ۲۰/۸۳٪ آنها در یک گروه موضوعی، ۱۲/۵۰٪ در یک زیرگروه موضوعی، و ۸/۳۳٪ در زیرگروه کلیدواژه‌ای قرار گرفتند. ۴۷/۰۵٪ از پایان‌نامه‌های دسته ۳ بی‌شابهت، ۴۷/۰۵٪ در یک گروه موضوعی، ۵/۸۸٪ در یک زیرگروه موضوعی، و ۵/۸۸٪ در یک زیرگروه کلیدواژه‌ای قرار داشتند. ۱۴/۲۸٪ از پایان‌نامه‌های دسته ۴ بی‌شابهت، ۴۲/۸۵٪ در یک گروه موضوعی، ۱۴/۲۸۵٪ در یک زیرگروه موضوعی، و ۲۸/۵۷٪ در یک زیرگروه کلیدواژه‌ای قرار داشتند. ۱۰۰٪ پایان‌نامه‌های دسته ۵ بی‌شابهت بودند و هیچ کدام از آنها در گروه‌ها یا زیرگروه‌های موضوعی یکسان جای نداشت. همچنین، ۱۰۰٪ پایان‌نامه‌های دسته ۶ در یک گروه موضوعی قرار داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های جدول بالا (با توجه به رتبه بندی انجام شده در ستون آخر) نشان می‌دهد در کل، پایان‌نامه‌هایی که در تعداد بیشتری مأخذ با هم مشترکند، نسبت به پایان‌نامه‌هایی که در تعداد کمتری مأخذ مشترک هستند، شباهتهای موضوعی کمتری نشان می‌دهند. پایان‌نامه‌هایی که در یک مأخذ مشترکند (دسته ۱) بالاترین شباهتها را بعد از دسته ۴ (دسته‌ای که در چهار مأخذ مشترکند) به گروه‌بندیهای موضوعی نشان می‌دهند. سپس دسته‌های ۲، ۳، ۶، و ۵ قرار می‌گیرند که در ستون مربوط به رتبه‌ها قابل مشاهده است.

با توجه به یافته‌ها، فرضیه پژوهش حاضر دست کم در مجموعه موضوعی که به‌عنوان جامعه انتخاب شده، پذیرفته نیست و رد می‌شود، زیرا چنانکه نتایج نشان

داد، مدارکی که مآخذ مشترک بیشتری داشتند، شباهت موضوعی کمتری را نشان دادند. بنابراین، نمایه‌سازی استنادی پایان‌نامه‌های این حوزه به بازیابی جامع و مانع آنها منجر نمی‌شود، زیرا بر اساس یافته‌های پژوهش، استنادها رفتار موضوعی مناسبی را در این حوزه از خود نشان ندادند و اثبات نکردند که می‌توانند به عنوان نمادهای موضوعی مدارک به منظور بازیابی اطلاعات تلقی شوند. عوامل زیر می‌توانند دلایلی برای این نتایج و اظهارات باشد.

۱- خاصیت میان رشته‌ای علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، به طوری که با وجود ثبات اصول و بنیانهای نظری این علم، از علوم دیگری مانند ارتباطات، علوم اجتماعی، رایانه، فناوری اطلاعات، فلسفه و ... وام گرفته و ادبیات آنها وارد این علم گردیده است. این امر به خودی خود طبقه‌بندیهای موضوعی و نیز مرزهای میان طبقات موضوعی درون این علم را از قطعیت و شفافیت کمتری برخوردار می‌سازد و به همین دلیل، امکان وقوع مدارک مشترک در مآخذ بسیار بالا در دسته‌های موضوعی مختلف را فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، همین خاصیت این امکان را به وجود می‌آورد که هر کدام از مدارک از منظری خاص (با توجه به خاصیت میان رشته‌ای آن) به مدرک نگریسته و به آن استناد کنند. لذا مشاهده می‌شود در حوزه‌های موضوعی که استحکام درونی آن بیشتر است (استحکام درونی این حوزه‌ها از مفصل بودن روابط سلسله‌مراتبی در اصطلاحنامه‌های این حوزه‌ها به خوبی قابل استنباط است) و به تبع آن دسته‌بندیهای موضوعی قوی‌تر و شفاف‌تری دارد، شباهت‌های موضوعی و شباهت‌های استنادی بر هم صحه می‌گذارند.

۲- خاصیت نوع مدارک مورد بررسی که از نوع پایان‌نامه است. پایان‌نامه‌ها اغلب به موضوعات بکر می‌پردازند و انتظار می‌رود دارای اطلاعات، یافته‌ها، و نتایجی باشند که در جای دیگر ثبت نشده و توسط افراد دیگر به دست نیامده باشد. با

توجه به این تفسیر، مطالبی که این نوع منابع پوشش می‌دهند، اغلب مطالب تازه‌ای است که توسط خود مؤلف ارائه شده و اقتباس از شخص دیگری نیست. بنابراین، سطح مطالبی که مربوط و به استناد خود مؤلف است، در این نوع منابع زیاد می‌باشد. بنابراین (با توجه به نقدی که قبلاً مطرح شد) استنادها سطح بالایی از مطالب این نوع مدارک را پوشش نمی‌دهند و نمی‌توانند نمادی موضوعی برای بسیاری از مطالب آنها باشند. به همین دلیل، شباهت موضوعی آنها شاید دلیل بر شباهت استنادی‌شان (از طریق اشتراک مآخذ آنها) نباشد.

۳- کذب مفترع (حری، ۱۳۷۲) می‌تواند از دلایل دیگری باشد که مانع اثبات استنادها به عنوان نمادهای موضوعی گردد. با توجه به اینکه نویسندگان گاهی اوقات تمایل دارند به سبب ارزشمند ساختن اثر خود نویسندگان میانی را دور بزنند، این اتفاق بعید نیست که آثاری به لحاظ موضوعی شباهت بسیار بالایی نسبت به هم داشته باشند، اما به دلیل ابتلای برخی از آنها به کذب مفترع، سطح مآخذ مشترک آنها بشدت کاهش یابد. در این صورت نیز استفاده از استنادها به عنوان نمادهای موضوعی، یکدستی مانعیت بازیابی را کاهش خواهد داد. با توجه به اینکه منابع پایان‌نامه‌ای، منابعی هستند که در آنها از بنیانهای نظری موضوع مورد پژوهش بحث می‌شود، بسیار احتمال دارد که در آن به منابع یکدیگر استناد کرده و در استنادها به جهت اجتناب از یکجور شدن آنها به کذب مفترع مبتلا گردند.

۴- خود- استنادی یا استناد بی مورد به اشخاص ذی نفوذ حوزه به منظور کسب وجهه و اعتبار برای اثر، می‌تواند یکی دیگر از دلایل از اعتبار افتادن نمایه‌سازی استنادی این نوع آثار در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی باشد. ازدیاد این نوع استنادها در آثار علمی، می‌تواند انطباق استنادها با نمادهای موضوعی را دچار اشکال نماید.

منابع

- حری، عباس (۱۳۷۲). *مروری بر اطلاعات و اطلاع رسانی*. تهران: دبیرخانه هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، نشر کتابخانه، ص ۲۹۱.
- صدیق بهزادی، ماندانا (۱۳۷۹). *چکیده پایان‌نامه‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی*. با همکاری سیمین حسین‌نیا، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مرکز اطلاع‌رسانی و خدمات جهاد سازندگی.
- محسن زاده، افسانه (۱۳۸۰). *بررسی گرایشهای موضوعی: تعیین تجربی معادله فرایند زیست موضوعات و روشهای پژوهش پایان‌نامه‌های علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- میلز، سارا (۱۳۸۲). *گفتمان*. ترجمه فتاح محمدی، زنجان: نشر هزاره سوم، ص ۱۲۵-۱۳۵.
- Campanario, J. M. (2003). Citation analysis. In *International Encyclopedia of Information and Library Science*. 2nd ed. Ed. John Feather and Paul Sturges, London; New York: Routledge, p. 76-78
- Dimitroff, A (1995). Self-citations in the library and information science literature. *Journal of the American society for information science* 46(1), p. 22-29.
- Egghe, L., and Rousseau, R (1990). *Introduction to informetrics: quantitative methods in library, documentation and information science*. Amsterdam: Elsevier science publishers, p. 203.
- Garfield, Eugene (2001). From Bibliographic Coupling to Co-Citation Analysis via Algorithmic Historio-Bibliography, presented at Drexel University, Philadelphia, PA, p. 4
- Horri, Abbass (1981). A Comparison of Citation Similarities and Index Term Similarities for Linking Subject Related Documents. Doctorate Dissertation, Case Western Reserve University, School of Library and Information Science, p. 1-10.
- Kessler, M. M. (1963). Bibliographic Coupling Between Scientific Papers. *American Documentation*, 14 (1): 10-13

- King, J (1987). A review of bibliometric and other science indicators and their role in research evaluation. *Journal of Information Science* 13(5), 261-276.
- Kochen, Manfred (1974). Principles of Information Retrieval. Los Angeles, Melville Pub. Co., p. 27-30.
- Lancaster, F. W (1991). *Bibliometric methods in assessing productivity and impact of research*. Bangalore: Sarade Ranganathan Endowment for Library Science, p. 1.
- Latour, B (1987). *Science in Action*. Milton Keynes: Open University, P. 130.
- Lawani, S. M. and A. E. Bayer (1986). Validity of Citation Criteria for Assessing the Influence of Scientific Publications: New Evidence with Peer Assessment. *Journal of the American Society for Information Science*, 34(1): 59-66.
- Leydesdorff, L (1998). Theories of citation. *Scientometrics* 43(1), p. 5-25.
- Narin, F (1976). Structure of biomedical literature. *Journal of the American society for information science* 27(1): 25-45.
- Rubin, R. E (2004). *Foundations of library and information science*. 2nd Ed. New York: Neal-Schuman, p. 117.
- Salton, Gerard (1963). Associative Document Retrieval Techniques Using Bibliographic Information. *Journal of the Association for computing Machinery*, 10, P. 440-457
- Sandison, A (1989). Documentation note: Thinking about citation analysis. *Journal of documentation* 45(1): 59-64.
- Small, H. G (1978). Cited Documents as Concept Symbols. *Social Studies for Science*, 8, P. 327-340.
- Small, H. G. and Griffith, Belver C. (1974). The Structure of Scientific Literature: Identifying and Graphing Specialists. *Science Studies*, 4, P. 17-40.